



شب زیبای پاره

آنچه از ناآرامی های مناطق کردنشین در فضای مجازی نمی خوانید - بخش دوم

شب های آرام مرز

محمد مطای

دبیر گروه گزارش

نشانه ای از او پیدا کنم؟ چند نفر کنار سوپرمارکت های این سوی میدان زندان ایستاده اند و چند نفری هم آن طرف. موقعیت خوبی است برای بلوار فلسطین بانه خواهیم ماند تا سری بزنم به مزار ابراهیم یونسی، مترجم نامدار این شهر و برای یافتن نشانه ای از قبر سارو بیرو سردار بزرگ جنگ چالدران با چهره های فرهنگی بانه صحبت کنم. همان سرداری که وقتی در گرما گرم نبرد به او گفتند شاه اسماعیل به تبریز رفته، برای که می جنگی؟ گفت من برای شاه اسماعیل نمی جنگم برای ایران می جنگم. پیش از این نه در شهیدگاه شهرستان چالدران و در جوار مقبره شیخ شریف الدین صدر، صدراعظم شاه اسماعیل و نه در شهیدگاه اردبیل در جوار مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی، محل دفن او و نیافته ام. آیا ممکن است در زادگاهش

حاشیه سقر ۲۰۰ میلیون پیش، یک و نیم میلیون اجاره می خوانند، آدمی مثل من از کجا بیایرد؟ رقت فرمانداری خواش و تمنا کردم معرفی ام کنند بانک، وام بگیرم. به قرآن مجید خاتم... سرش را بلند نکرد جواب سلامم را بدهد. با چشم بیاید این منطقه، از مردم دلجویی بکند، آب روی آتش بریزد. به فکر معیشت مردم باشند، تجزیه طلبی حرف مفت است.»

شود، می گوید: «اصلاً حزب نه، شما بفرما کرد عراق، به من چه ربطی دارد؟ من ایرانی ام و در مملکت خودم زندگی می کنم چکار دارم به کردستان عراق؟ حرف من این است یک نفر آدم عاقل بیاید این منطقه، از مردم دلجویی بکند، آب روی آتش بریزد. به فکر معیشت مردم باشند، تجزیه طلبی حرف مفت است.»

معنی اش این نیست که می خواستم دست در دست کومه برای تجزیه با حکومت بچنگم. مسائل را باهم قاطی نکنید. اگر شما هم اینجا بودید به خاطر اخلاق و وجدان و برای اینکه دیگر چنین چیزی تکرار نشود، در مراسم شرکت می کردید. وگرنه هیچ کجا مثل کردستان احترام سپاه و نیروی انتظامی را نمی گیرند. آن بنده خدا را نگاه کن منتظر ماشین است. قول می دهم سپاهی است و وسط جاده سقر بانه پیاده می شود. احساس امنیت نداشت، این وقت شب اینجا نبود.»

چند روز قبل، پشت کوه آبدر سنندج، شب را در قلعه و عمارت آیت الله مردوخ روستای نوره گذراندم؛ چه شد که دست قضا و قدر در چنان شب سردی و در اوج ناآرامی ها تک و تنها مرا به عمارت بزرگ آن مرد بزرگ کشاند؟ ناآرامی ها؟ نوره پایین تپه در آرامشی عمیق خفته است و چراغ شب نشینی های شاد در قاب پنجره سوسو می زند. فردا نظر روستاییان را هم درباره اعتراضات خواهم پرسید. صبح، جاده ماریپج قلعه را به سمت نوره سرازیر می شوم تا کلید عمارت را به کاک رحمت برگردانم و بگویم برنخواهم گشت. خانه نیست. در می زنم و یا الله می گویم. همسرش دست و بازو را روی سرش می گیرد و موهایش را می پوشاند. کلید را کنار در می گذارم و خداحافظی می کنم.

از کاک عبدالله می پرسم کسی از اهالی روستا در درگیری های سنندج شرکت کرده یا نه؟ می گوید: «نه والله. می دانی چرا؟ روستایی جماعت تولید کننده است؛ پول هم نداشته باشد بالاخره گندم و شیر و ماست و چهار تا میوه عمل می آورد ولی بنده خدای شهری یک کیسه زرد آلو می خرد ۱۰۰ هزار تومن، بچه ها نصفش را می خورند، نصفش را هم پرت می کنند. شهری را خیلی توی فشارند.»

در سقر از اهالی می پرسم شهر شما آرام تر است یا بانه؟ بدون مکث می گویند بانه. اینجا در کردستان هر چه به مرز نزدیک تر می شوید، اوضاع آرام تر می شود. می خواهم جلوتر بروم و از میوان و گردنه تته بگذرم و سری بزنم به مناطق مرزی پاره در جوار بیاره و حلیجه عراق. راه میانرو و کوتاه است اما دیشب در ارتفاعات کمی برف باریده و کانال های محلی اعلام

نوره پایین تپه در آرامشی عمیق خفته است و چراغ شب نشینی های شاد در قاب پنجره سوسو می زند. فردا نظر روستاییان را هم درباره اعتراضات خواهم پرسید. صبح جاده ماریپج قلعه را به سمت نوره سرازیر می شوم تا کلید عمارت را به کاک رحمت برگردانم و بگویم برنخواهم گشت. خانه نیست. در می زنم و یا الله می گویم. همسرش دست و بازو را روی سرش می گیرد و موهایش را می پوشاند. کلید را کنار در می گذارم و خداحافظی می کنم

کرده اند گردنه بسته است. مجبورم برگردم و دوباره از بانه و سقر و دیواندره و سنندج و کامیاران و روانسر و پاوه، کوهستان شاهو را دور بزنم و خودم را به روستای هانی گرمه در استان کرمانشاه برسانم؛ راه دوازده ساعت طول می کشد و البته فرصتی دوباره پیش می آید برای کنکاش و گفت و گو. با دیدار، استاد دانشگاه سلیمانیه و دانشجوی فلسفه دانشگاه آزاد سنندج همسفر می شوم. یک هفته ای که کردستان و بخشی از کرمانشاه را گشته ام، لاقلاً ۳۰ یا ۴۰ تاکسی سوار شده ام و هر بار بدون هیچ استثنایی شاهد بحث های سیاسی و اجتماعی شهروندان بوده ام و اگر بخواهم هر چیزی را که در ذهنم می گذردم و هر بار بدون نوشته بلند بالایی خواهد بود. بگذارید همه را در چند جمله خلاصه کنم؛ ریشه اعتراض و ناآرامی در این خطه از کشور معیشت است، مردم اگر با معترضان همدل هم

باشند، از ناآرامی خرسند نیستند، همه معترضان آشوبگر نیستند، معترضان نه تنها تجزیه طلب نیستند بلکه بیش از هر جای دیگر کشور از خلأ قدرت می ترسند. دیدار می گوید: «مراقب باشید، امریکا دنبال خوشبختی شما نیست. امریکا دنبال نفت و منابع طبیعی شماست. می خواهد کشورتان را تکه پاره کند و منابعش را بچاپد.»

راننده که یک جوان بگویند سنندجی است، می گوید: «ما نمی خواهیم حکومت ویران شود، می خواهیم زندگی بهتری داشته باشیم. این همه نیروی متخصص داریم... بگو ببینم شما مهندس مکانیک دارید اصلاً؟ مهندس برق، شما چه می گوید کهربا، دارید؟ چراغ مغز دارید؟» پاسخ دیدار منفی است. راننده در آینه به من می خندد و می گوید: «خب همین جا توی دیواندره، حللی بده دست جوان ها، آخر هفته بیا بنز تحویل بگیر.» دیدار می گوید: «حرفی در این نیست ما حتی از نظر هنری چشم مان به تولیدات کردستان ایران است. از این بالاتر بگویم؛ من پنج سالگی یک بار با خانواده بغداد رفتم و الان هم هیچ تصویری از این شهر در ذهن ندارم، درحالی که سه بار تهران آمده ام. می خواهم بگویم مراقب کشورتان باشید، امریکا دنبال خیر و صلاح شما نیست. ما بدبختی را با چشم خودمان دیده ایم و برای شما نگرانیم.»

راننده ای که جلوتر از ما حرکت کرده، زنگ می زند و می گوید دیواندره شلوغ است، وارد خیابان اصلی نشویم. ۱۰ دقیقه تا میدان مرکزی شهر راه داریم و باهم مشورت می کنیم که از کوچه های دور و بر برویم یا نه؟ چند بار دیگر بین دو راننده تماس برقرار می شود و در نهایت تصمیم می گیریم از همان خیابان بگذریم و سریع تر از شهر دور شویم. نمی دانم ۱۰ دقیقه پیش چه خبر بوده اما حالا جز چند رفتگری که در حال تمیز کردن خیابان از خاکستر لاستیک های سوخته اند، چیزی دیده نمی شود؛ نه معترضی و نه یگان ویژه ای. خسته نباشید می گویم و به سمت سه راهی دیواندره، سنندج، بیجار می رانیم. پاسی از شب گذشته که به پاوه می رسم...

ادامه دارد

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون ها و مربع های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

آسان								
	۶		۹	۴				
			۸		۷		۴	۶
					۲	۱	۶	۹
	۶			۲	۷	۳		
				۵			۴	۲
							۲	۵
					۸	۶	۳	
								۲

سخت								
				۸				۵
				۵	۶	۹		
								۳
				۵	۲	۴		
					۶			

جدول با دو شرح

متوسط								
	۱		۲	۵		۸		
		۷	۸	۴				
				۲	۶	۸	۳	

خیلی سخت								
					۱			۵
						۶	۵	

حل جدول سودوکو شماره ۲۰۹۵								
۸	۴	۱	۷	۳	۵	۲	۶	۹
۷	۵	۱	۶	۸	۴	۳	۲	۹
۸	۳	۶	۲	۱	۷	۵	۴	۹
۴	۸	۷	۳	۱	۶	۵	۲	۹
۱	۲	۸	۵	۳	۶	۷	۴	۹
۳	۶	۷	۲	۱	۵	۴	۳	۸
۳	۶	۷	۲	۱	۵	۴	۳	۸
۲	۵	۱	۶	۳	۷	۴	۸	۹
۵	۲	۸	۳	۶	۷	۱	۴	۹

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۱- مشهور میان خاص و عام - نوعی پارچه تخی

۲- راننده کشتی - دارای نظم و ترتیبی خوشایند - راز

۳- انگور خشک شده - پیشوا مسیحی - اصطلاحی در بازی شطرنج

۴- حرف گزینش - بلیغ - اصرار کردن برای انجام کاری

۵- بلدرچین - تواضع - نوبت به نوبت

۶- جزیره دارای از امکانات مادی - وسیله روز مبادا - چوبه قالی

۷- جزیره ایرانی - سرمری معروف فعلی تیم ملی عمان - نیز

۸- رود مرزی - دودکش - از لوازم آرایش

۹- مسالوی عامیانه - سرباز و سپاهی - امور

۱۰- مرزبان - گروه گذراننده - اسم دخترانه

۱۱- آرزومند چیزی شدن - قدرت - هر برش از هندوانه

۱۲- شکار - گل باز نشده - کتف

۱۳- فیلم آرش معریان - مقام و مرتبه - جای کشتن

۱۴- اطراف دهان - به معنی آشکار و پدیدار هم آمده - رشد یافته

۱۵- دریاچه ای در آسیای میانه - قلعه تاریخی خرم آباد

عمودی:

۱- کبک تابه ای - سگ فضانورد - مخفف آنابیتا

۲- نام «کمال» ادیب ترکیه ای - کشور موسیقی - دختر نیست

۳- نامبارک - پانصد هزار قدیم - الهه عقل

۴- دستگاه تنفسی جانوران آبی - دورنگار - سردخانه خانگی

۵- جنس خشن - طبقه اول اعداد - سخنان ناروا و وزشت

۶- از مواد دفعی بدن - به هم رسیدن - حرارت

۷- بیماری ستانی در تهران - نوکر، چاکر - فالگیر

۸- تفاوت - بام فلزی - شیوه

۹- پیدا کرد - پرتابه ورزشی نوک تیز - جمع غنی

۱۰- امپراطور روم - جمع مکان - مرکز بخش «جلگه قدیم» شهر اصفهان

۱۱- شیوه جنگی - از قطعات خودرو - مخفف شاد

۱۲- غذایی ایرانی - عقب و پس - از طبقات ساختمان

۱۳- وسیله حل جدول - زین و برگ اسب - سخن، گفته

۱۴- شامگاهان - هراس - از اصول مهم نظامی در میدان جنگ

۱۵- خارج از تنظیم - هویدا - چابک

افقی:

۱- از آثار حمدالله مستوفی - پیروی کننده

۲- شیپور گوش - خفتن - رطوبت ناچیز

۳- دارای لقب - ساعی - گل جزایر قناری

۴- قمر برجیس - فرستاده سیاسی - شاگرد میرعماد

۵- ضربان قلب - کاریز - آیدمیک

۶- زن نیکوکار فرعون - گرفتگی زبان - علت سیاه شدگی تفره

۷- دعاها - سرزده و ناگهانی - پاسخ نومید کننده

۸- شهر رستم - جدا کردن - روا

۹- فیلم «جان تریل تاب» - پی در پی - آتش گرفتن

یک جدول با دو شرح

۱- قیمت - وسیله روشنایی - بخت و سرنوشت

۱۱- تپه ای تاریخی در «میانه» - از آثار «شکسپیر» - راه آهن کشورمان

۱۲- جمع فکر - شعله - دوستی

۱۳- برابر - مرکز استان مرکزی - بلند مرتبه

۱۴- حرص - فیلسوف یونانی - مسطح

۱۵- رهبر کمونیست ها - زبان کشور «مولداوی»

عمودی:

۱- تدارک و ترتیب - طمعکار - خس خس سینه

۲- شیوه، سبک - ضد «همکار» - سنگینی

۳- دوختن - ضربه زننده - جعبه فشنگ

۴- خشک و سفت - مریض نیست - ناسیاسی کردن

۵- اختلال در طنین صدا - از دست رفته - اختراع «گالیه»

عمودی:

۱- کبک تابه ای - سگ فضانورد - مخفف آنابیتا

۲- نام «کمال» ادیب ترکیه ای - کشور موسیقی - دختر نیست

۳- نامبارک - پانصد هزار قدیم - الهه عقل

۴- دستگاه تنفسی جانوران آبی - دورنگار - سردخانه خانگی

۵- جنس خشن - طبقه اول اعداد - سخنان ناروا و وزشت

۶- از مواد دفعی بدن - به هم رسیدن - حرارت

۷- بیماری ستانی در تهران - نوکر، چاکر - فالگیر

۸- تفاوت - بام فلزی - شیوه

۹- پیدا کرد - پرتابه ورزشی نوک تیز - جمع غنی

۱۰- امپراطور روم - جمع مکان - مرکز بخش «جلگه قدیم» شهر اصفهان

۱۱- شیوه جنگی - از قطعات خودرو - مخفف شاد

۱۲- غذایی ایرانی - عقب و پس - از طبقات ساختمان

۱۳- وسیله حل جدول - زین و برگ اسب - سخن، گفته

۱۴- شامگاهان - هراس - از اصول مهم نظامی در میدان جنگ

۱۵- خارج از تنظیم - هویدا - چابک

افقی:

۱- از آثار حمدالله مستوفی - پیروی کننده

۲- شیپور گوش - خفتن - رطوبت ناچیز

۳- دارای لقب - ساعی - گل جزایر قناری

۴- قمر برجیس - فرستاده سیاسی - شاگرد میرعماد

۵- ضربان قلب - کاریز - آیدمیک

۶- زن نیکوکار فرعون - گرفتگی زبان - علت سیاه شدگی تفره

۷- دعاها - سرزده و ناگهانی - پاسخ نومید کننده

۸- شهر رستم - جدا کردن - روا

۹- فیلم «جان تریل تاب» - پی در پی - آتش گرفتن